

تطور «رکاز» در روایات فریقین: مطالعه تاریخی و تطبیقی

سمیه کلهر^۱، مهدی مهریزی طرقي^۲، مژگان سرشار^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۲۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۱۱)

چکیده

در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت مصادیقی ذکر شده که متعلق خمس قرار می‌گیرند. یکی از این متعلقات، رکاز است. پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، بیشتر جنبه فقهی دارند و نگاه تاریخی و تطبیقی ندارند. در منابع شیعی و اهل سنت دو دسته روایت راجع به رکاز نقل شده است. یک دسته رکاز را به طور مطلق ذکر کرده‌اند. در این دسته از روایات قرینه‌ای که نشان‌دهنده مفهوم رکاز باشد، وجود ندارد. دسته دوم روایات متعددی از پیامبر(ص)، برخی صحابه و تابعان در اهل سنت و نیز از امامان شیعه(ع) نقل شده که دارای قرائن درون‌متنی است که به کمک آن‌ها می‌توان تا حدودی به فهم رکاز نزدیک شد. رکاز در شیعه به معانی معدن، هر چیز با ارزش پیداشده، هر نوع مال بلااستفاده، مسکوکات رایج و در اهل سنت به معانی معدن، گنج‌های قدیمی و دفینه‌ها آمده است. عمده اختلاف روایات در مفهوم رکاز، به نوع برداشت لغوی این واژه برمی‌گردد.

واژگان کلیدی: خمس، دفینه، رکاز، گنج، معدن.

-
۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران؛
Email: s.kalhor@qodsiau.ac.ir
 ۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (نویسنده مسئول)؛
Email: m.mehrizi@srbiau.ac.ir
 ۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران؛
Email: m-sarshar@srbiau.ac.ir

۱. مقدمه

خمس یکی از مسائل اقتصادی مطرح شده در آیات و روایات است. خمس به‌عنوان یکی از واجبات مالی در منابع فقهی فریقین علی‌رغم اختلافات، مورد تأکید قرار گرفته است. مسئله خمس در بیان قرآن جزو انفاقات واجب است که تنها در آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ ...» (الأنفال: ۴۱)، به آن اشاره شده است. سبب نزول آیه شریفه، ناظر به اختلاف پاره‌ای از مسلمانان بر سر تقسیم غنائم جنگی بعد از جنگ بدر است. این آیه به تناسب آیات جهاد مطرح شده و از آنجا که موضوع جهاد غالباً با مسئله غنائم آمیخته شده، لذا بیان حکم غنائم نیز لازم بود که مطرح شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۷۱/۷). از طرف دیگر در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت مصادیق دیگری غیر از غنائم نیز ذکر شده که متعلق خمس قرار می‌گیرند. یکی از این متعلقات، رکاز است.

شافعی (م ۲۰۴ ق) اولین بار به اختلاف علما، راجع به مفهوم رکاز اشاره می‌کند. در این زمینه، اهل حجاز و اهل عراق نظر متفاوتی راجع به رکاز داشته‌اند. اهل حجاز معتقد بودند که رکاز، گنج‌های مدفون در زمان جاهلیت است و اهل عراق رکاز را معدن می‌دانستند (شافعی، مسند الإمام الشافعی، ۲۴۸/۱). ابو عبید قاسم بن سلام (م ۲۲۴ ق) نیز به این اختلاف اشاره کرده است. وی در یک‌جا هم نظر با شافعی است (ابو عبید، غریب الحدیث، ۲۶۰/۳) و در جای دیگر می‌گوید که اهل حجاز معتقدند که معدن و مال مدفون هر دو در زمره رکاز است و اهل عراق همه معادن و همچنین مال قدیمی نیز به خاطر شباهتش به معدن در زمره رکاز است (ابو عبید، کتاب الأموال، ۴۲۱). از طرف دیگر روایات متعددی در منابع شیعه و اهل سنت راجع به رکاز نقل شده است. از همین رو تحلیل این روایات و بررسی تطور مفهوم رکاز در آن‌ها حائز اهمیت است.

۲. پیشینه

راجع به رکاز، پژوهش مستقلی یافت نشد. تنها مقاله «بازخوانی انتقادی نظریه انحصار خمس در غنائم جنگی و رکاز» (مؤمنی، ۱۹۴-۱۷۵)، به بحث رکاز اشاره کرده است. مسئله اصلی این مقاله اثبات خمس غیر غنائم و رکاز در نگاه فقهای شیعه و اهل سنت است و لذا به بررسی روایات وارده در این زمینه نپرداخته و تنها به نظرات فقهی فقها اکتفا کرده است.

همچنین پایان‌نامه «بررسی فقهی و حقوقی دَفینه» (دری) نیز اشاره‌ای به بحث رکاز داشته است. در این پایان‌نامه با نگاه فقهی - حقوقی به بحث مالکیت دَفینه پرداخته شده است. چنان‌که ملاحظه شد، پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته بیشتر جنبه فقهی دارند و نگاه تاریخی و تطبیقی میان روایات رکاز در شیعه و اهل سنت و تطور معنایی آن ندارند. لذا مسئله اصلی این مقاله، بررسی تطبیقی تطور مفهوم رکاز در روایات شیعه و اهل سنت است که با روش تاریخی - تطبیقی به آن پاسخ خواهد داد.

۳. سیر تطور مفهوم رکاز

جهت مشخص کردن سیر تطور مفهوم رکاز، لازم است ابتدا این مفهوم در منابع لغوی، سپس در زمان جاهلیت و در آخر در روایات شیعه و سنی مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۳. مفهوم رکاز در کتب لغت

منابع لغوی در مفهوم رکاز اتفاق نظر ندارند. نخستین دیدگاه در میان لغویان این است که رکاز قطعه‌ای از طلا و یا نقره است که از معدن استخراج می‌شود. خلیل بن احمد (م ۱۷۵ق) رکاز را قطعه‌ای از طلا و نقره می‌داند که از معدن استخراج شده است. عبارت «أرکَزَ المعدن» یعنی آنچه از آن استخراج می‌شود، پایان یافت (فراهیدی، ۳۲۱/۵-۳۲۰). ازهری (م ۳۷۰ق) از قول لیث نقل کرده که رکاز، قطعه‌ای از نقره است که از معدن استخراج می‌شود (ازهری، ۵۶/۱۰). همچنین گفته شده که رکاز، تکه‌های بزرگی از طلا و نقره است که از معدن استخراج می‌شود (ازهری، ۵۶/۱۰؛ صاحب بن عباد، ۱۹۹/۶). ابن سیده (م ۴۵۸ق) نیز رکاز را تکه‌ای از طلا و نقره می‌داند که از زمین یا معدن استخراج می‌شود (ابن سیده، ۷۳۹/۶).

در دیدگاه دوم لغویان، رکاز به معنای گنج در نظر گرفته شده است. ابن درید (م ۳۲۱ق) معتقد است که رکاز، گنجی است که در بیابان‌های وسیع یا معدن یافت می‌شود (ابن درید، ۷۰۸/۲). این دیدگاه در دیگر منابع لغوی مشاهده نشد.

در دیدگاه سوم، رکاز به معنای مال مدفون در نظر گرفته شده است. جوهری (م ۳۹۳ق) معتقد است که رکاز آن چیزی است که به طور پنهانی توسط اهل جاهلیت دفن شده باشد (جوهری، ۸۸۰/۳). راغب (م ۴۲۵ق) رکز را به معنای صوت پنهانی می‌داند و عبارت «رَكَزْتُ کذا» به معنای دفن پنهانی می‌داند. از همین‌رو رکاز را به مال مدفون که

خواه توسط فردی دفن شده باشد مانند گنج و یا توسط خداوند مانند معدن، معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۳۶۴). ثعالبی (م ۴۲۹ق) نیز رکاز را به مال مدفون معنا می‌کند (ثعالبی، ۹۶).

آنچه در جمع بندی مباحث لغوی می‌توان گفت، این است که رکاز، چیزی است که انسان و فرد، نقشی در تولید و ساخت ندارد و تنها افراد می‌توانند آن را پیدا کنند یا استخراج نمایند.

۲.۳. مفهوم رکاز در جاهلیت

جوادعلی بحث مفصلی راجع به رکاز در زمان جاهلیت انجام می‌دهد. اهل جاهلیت رکاز را به عنوان مالی می‌دانستند که متعلق به فردی بود که از آن آگاه شده است و این مال برای آن فرد بهره‌ای حلال بود. در جاهلیت، حکم رکاز مانند حکم لقطه (مال بی‌صاحب) بود (علی، ۱۳۳/۱۴).

جواد علی در فصلی تحت عنوان «حقوق پادشاهان و حقوق سران قبایل»، بحث رکاز را مطرح می‌کند. وی معتقد است که با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته، نصی دال بر اینکه در زمان جاهلیت حکومت‌ها حقی از رکاز داشته‌اند، یافت نشده است. وی گزارشی نقل می‌کند که عبدالمطلب حین حفر چاه زمزم، به گنجی دست می‌یابد و بزرگان اهل مکه از وی سهم خودشان را مطالبه می‌کنند، اما دلیل این افراد به قانون رایج و گذشته نبوده است، بلکه مستند آن‌ها این بود که گنجی که عبدالمطلب یافته، در زمین شخصی خودش نبوده، بلکه در زمین مقدس و مشاع بوده است و لذا این گنج مختص بیت‌الحرام و اهل مکه است (علی، ۳۱۵/۹).

اعتقاد اهل جاهلیت نسبت به زندگی بعد از مرگ به دو دسته قابل تقسیم است. گروهی از عرب‌ها در جاهلیت به رجعت اعتقاد داشتند. منظور از رجعت، بازگشت به دنیا بعد از مرگ است. آن‌ها می‌گفتند فردی که بمیرد یک‌بار دیگر به دنیا بازمی‌گردد و چنان که قبلاً در دنیا زنده بوده، زنده خواهد بود. از همین‌رو شاید همین عقیده موجب شده که برخی از افراد در زمان جاهلی غذا و مایحتاج انسان در زندگی را همراه میت در قبرش دفن می‌کردند (علی، ۱۴۲/۱۱). طی حفاری‌هایی که باستان‌شناسان در جزیره العرب انجام داده‌اند، در قبور، ظروف گلی یافت شده است که همراه میت دفن شده بودند. همچنین همراه مردگان، جواهرات، سلاح، خنجر، چاقو و هر آنچه نزد آن فرد

عزیز بوده دفن می شده است (علی، ۶۱/۱۵). عده دیگر از اهل جاهلیت معتقد بودند که میت بعد از مرگ نیاز به وسایلی دارد، از همین رو همراه او این وسایل را دفن می کردند که در دنیای دیگر از آن استفاده کند. در قبور افراد زمان جاهلی چیزهایی یافت شده که انسان در زندگی از آن ها استفاده می کرده است. این اشیاء دلالت می کنند که افراد جاهلی همراه میت چیزهایی دفن می کردند که فکر می کردند در دنیای دیگر به آن ها نیاز دارد. از طرف دیگر اعراب بادیه نشین، به دلیل فقر و سادگی زندگی شان غیرقابل تصور است که آن ها همراه مردگان چیزهای قیمتی دفن می کنند. در مقبره های عرب های جنوبی مانند یمن و حضرموت، جواهرات و سنگ های نفیس و مانند آن یافت شده است. هدف آن ها از دفن این وسایل این بود که فرد متوفی در دنیای دیگر با آن ها خودش را زینت دهد. از همین رو گزارش های تاریخی این مطلب را تأیید می کند که در زمان اسلام قبرها را می شکافتند و به دنبال مال و ثروت در آن ها می گشتند. جواد علی علت این کار را چنین توضیح می دهد که یک نظر این است که عرب قبل از اسلام معتقد بود که فرد متوفی در دنیای دیگر به این وسایل نیاز دارد. احتمال دیگر نیز این است که اهل جاهلیت هدفش از دفن زیورآلات، طلا و نقره و... همراه میت این بوده که بازماندگان میت را به اظهار محبت و دوستی با فرد متوفی ترغیب کنند و می خواهند این را برسانند که فرد میت همواره نزد آنان عزیز است، بنابراین گنج هایش را همراه او دفن می کردند (علی، ۱۷۵/۹). از همین رو در منابع لغوی واژه «قشمت» به معنای زنی است که مرده و همراه او چیزهایی که داشته را دفن می کردند (ابن منظور، ۴۸۴/۱۲). لذا از جمله عادت های اهل مکه این بود که در مکان های قدیمی، دنبال گنج می گشتند (علی، ۳۱۵/۹).

۴. مفهوم رکاز در روایات اهل سنت

گاهی قرائنی درون متن روایت وجود دارد که از آن طریق می توان به فهم یک واژه دست یافت و گاهی نیز چنین قرائنی وجود ندارد. در اینجا منظور از روایات بیانگر رکاز به صورت مطلق، آن دسته از روایاتی است که قرائن درون متنی، دال بر فهم معنای رکاز ندارند. در مقابل این دسته می توان روایات بیانگر رکاز به صورت مقید را نام برد که بعد از بیان این دسته به شرح آن خواهیم پرداخت.

۴-۱. روایات بیانگر رکاز به صورت مطلق

در منابع اهل سنت دودسته روایت راجع به رکاز نقل شده است. یک دسته رکاز را به طور مطلق ذکر کرده‌اند. در این دسته از روایات قرینه‌ای که نشان‌دهنده مفهوم رکاز باشد، وجود ندارد. در منابع شیعه تنها دو روایت از پیامبر (ص) راجع به بحث رکاز نقل شده است که هیچ‌کدام، اشاره‌ای به مفهوم رکاز ندارند. در منابع اهل سنت نیز دودسته روایت از پیامبر (ص) راجع به رکاز نقل شده است. در یک دسته، پیامبر (ص) به صورت مطلق فرموده‌اند که رکاز خمس دارد. در این دسته از روایات قرینه درون‌متنی که روشن‌گر مفهوم و مصادیق رکاز باشد، وجود ندارد.

اولین منبع مکتوب که به رکاز اشاره کرده، صحیفه همام بن منبه (م ۱۳۱ق) است. در این حدیث چنین آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَبَّارٌ وَ الْبَيْتْرُ جَبَّارٌ وَ الْمَعْدِنُ جَبَّارٌ وَ فِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ» (همام بن منبه، ۶۳). این روایات در منابع متعدد اهل سنت از راویانی همچون ابوهریره (مالک بن انس، ۴۰۴/۲)، ابراهیم (أبو يوسف، الآثار، ۸۸)، سلیمان بن موسی (عبد الرزاق، ۱۱۶/۴)، اسماعیل بن محمد (عبد الرزاق، ۶۵/۱۰)، هزلی بن شریحیل (عبد الرزاق، ۶۶/۱۰)، حسن بصری (ابن راهویه، ۴۴۰/۱)، جابر بن عبدالله (ابن حنبل، ۴۴۵/۲۲)، عباده بن صامت (ابن حنبل، ۴۳۶/۳۷) از قول پیامبر (ص) نقل شده که رکاز یکی از چیزهایی است که خمس دارد.

این حدیث در منابع شیعی، تنها توسط شیخ صدوق (م ۳۸۱ق)، نقل شده است. صدوق این روایت را چنین نقل کرده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَبَّارٌ وَ الْبَيْتْرُ جَبَّارٌ وَ الْمَعْدِنُ جَبَّارٌ وَ فِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ». صدوق این روایت را در باب «باب معنی الجبار» نقل کرده است. وی در توضیح رکاز تنها به اختلاف اهل حجاز و عراق پیرامون مفهوم رکاز اشاره کرده است (ابن بابویه، ۳۰۳/۱). همچنین ابن عباس نیز روایت کرد که «قَضَى النَّبِيُّ (ص) فِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ» (ابن ابی شیبه، ۴۳۷/۲؛ ابن حنبل، ۵۹/۵)؛ «پیامبر (ص) حکم کردند که رکاز، خمس دارد». در این حدیث، پیامبر (ص) قانونی که در جاهلیت وجود داشته را نقض کرده است (عبد الرزاق، ۶۵/۱۰). احتمال دارد که این عبارت ابن عباس تقطیعی از حدیث قبل باشد.

در حدیثی دیگر در منابع اهل سنت آمده که پیامبر (ص)، امام علی (ع) را به سوی رکازی در یمن فرستاد و امام علی (ع) خمس آن را تعیین کرد (عبد الرزاق، ۱۱۶/۴).

۲-۴. روایات بیانگر رکاز به صورت مقید

روایات متعددی از پیامبر (ص)، برخی صحابه و تابعان در اهل سنت و نیز از امامان شیعه (ع) نقل شده که دارای قرائن درون‌متنی است که به کمک آن‌ها می‌توان تا حدودی به فهم رکاز نزدیک شد. در ادامه به بررسی این روایات به ترتیب تاریخ وفات آخرین راوی خواهیم پرداخت.

۱-۲-۴. تقابل رکاز با آنچه در خرابه‌هاست

در روایات متعدد از پیامبر (ص) و دیگران تقابلی میان رکاز و گنج‌های قدیمی صورت گرفته است. در واقع سیاق روایات دلالت می‌کند که گنج‌های قدیمی و رکاز دو چیز متفاوت هستند، گرچه از لحاظ حکم وجوب خمس، هر دو یکسان هستند.

عبدالله بن عمرو (م ۶۳ق) نقل کرده که از قول پیامبر (ص) راجع به مال بی‌صاحب (لقطه) سؤال شد، ایشان فرمودند: «وَمَا كَانَ فِي الْخَرَابِ يَعْنِي فَيَّهَا وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ» (ابی داود، ۱۳۶/۲)؛ آنچه در خرابه‌ها پیدا شود، خمس دارد و به رکاز نیز خمس تعلق می‌گیرد.

عبدالله بن عمرو سهمی (م ۶۳ق)، نقل کرده که از مردی از مزینه [یکی از قبایل مضر] شنیدم که از پیامبر (ص) پرسید: ای رسول خدا، [حکم] آنچه در خرابه‌های قدیمی می‌یابیم چیست؟ ایشان فرمودند: «فِيهِ وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ» (ابن حنبل، ۵۲۸/۱۱)؛ در آن و در رکاز خمس است. این حدیث در نقلی دیگر با اندکی تفاوت در متن نقل شده است. در این نقل، راوی صراحتاً از گنج‌های قدیمی که در خرابه‌ها و بیابان‌ها یافت می‌شود، سؤال کرده است که پیامبر (ص) نیز همان جواب حدیث قبل را دادند (ابن حنبل، ۳۵۹/۱۱).

همین حدیث عبدالله بن عمرو سهمی در منابع متأخرتر با جزئیات بیشتر نقل شده است. شافعی (م ۲۰۴ق) در «الأم» حدیث عبدالله بن عمرو سهمی را نقل می‌کند که پیامبر (ص) درباره گنجی که فردی در خرابه‌های جاهلی می‌یابد فرمودند: اگر در قریه‌های مسکونی یا راه‌های محل رفت‌وآمد باشد یا در خرابه‌های جاهلی یا در قریه‌های غیرمسکونی یافته باشید در آن و در رکاز خمس است. شافعی می‌گوید: هیچ شکی ندارم که منظور از رکاز دفینه‌های اهل جاهلیت است (شافعی، الأم، ۴۷/۲).

در مسند حمیدی (م ۲۱۹ق) آمده که پیامبر (ص) راجع به گنجی که مردی می‌یابد چنین فرمود: اگر در قریه‌های مسکونی یا در راه‌هایی که محل رفت‌آمد مردم است باشد،

می‌بایست یک سال این مسئله را با مردم در میان بگذارد، اگر آن گنج در خرابه‌های جاهلی یا قریه‌های غیرمسکونی یا راه‌هایی که محل رفت‌وآمد مردم نیست، یافت شده باشد، در آن و در رکاز خمس است (حمیدی، ۵۰۷/۱).

در این حدیث صراحتاً آنچه در خرابه‌های جاهلی یافت شده باشد را چیزی متفاوت از رکاز در نظر گرفته است.

در *المجتبی نسائی* (م ۳۰۳ق) در باب معدن، حدیث عبدالله عمرو سهمی نقل شده است. سؤال در اینجا این است که آنچه در بی‌راه‌ها (مسیری که محل رفت‌وآمد مردم نباشد) و قریه‌های ویران شده باشد، چه حکمی دارد. حکم این حدیث با حکم حدیث‌های قبلی که ذکر شد، یکسان است و میان آنچه در راه‌هایی که محل رفت‌وآمد نیست و آنچه در قریه‌های قدیمی است با رکاز تقابل برقرار شده است (نسائی، *المجتبی من السنن*، ۴۴/۵).

۴-۲-۲. یکسان انگاری رکاز با معدن

ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) اولین فردی است که رکاز را به معنای معدن دانسته است. وی در بحث زکات از عطاء از عبدالله بن عمر (م ۷۳ق) نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «الرَّكَازُ مَا رَكَزَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْمَعَادِنِ الَّتِي تَنْبُتُ فِي الْأَرْضِ» (ابو حنیفه، *کتاب الزکاة*، حدیث اول)؛ «رکاز آن چیزی است که خداوند در معادن که در زمین روئیده‌اند، آفریده است».

معدن در لغت، مکان، اصل و مبدأ هر چیزی مانند طلا، نقره، جوهر و چیزهای دیگر است (فراهیدی، ۴۲/۲). معدن نزد حنفی‌ها به آنچه از طلا و نقره و مانند آن [مثل آهن، مس و...] که خداوند درون زمین خلق کرده اطلاق می‌شود؛ اما مفهوم معدن نزد حنبلی‌ها و شیعه امامیه به هر چیزی که از زمین خارج می‌شود، از آنچه از جنس خود زمین نباشد و دارای ارزش باشد، اطلاق می‌شود (ابوحیب، ۲۴۵).

این حدیث نه تنها در هیچ‌یک از منابع بعدی، نقل نشده است، بلکه مورد استناد لغویان نیز در بحث مفهوم رکاز نبوده است. در این عبارت چند نکته وجود دارد. اولاً؛ رکاز از جمله چیزهایی است که به صورت طبیعی وجود دارد. ثانیاً؛ انسان‌ها در درست کردن آن نقشی ندارند. ثالثاً؛ «ما»ی موصوله در عبارت «ما رکزہ اللہ»، بر عمومیت دلالت می‌کند و هر چیزی که در معادن باشد، به عنوان رکاز به حساب می‌آید. رابعاً؛ «واژه تنبث در برخی نسخه‌ها به صورت یثب ضبط شده که هدف آن احتراز از یکسان انگاری رکاز با دفینه‌های

اهل جاهلیت است» (هروی قاری، ۱۵۹). در واقع این عبارت چیزهایی از وسایل ساخته دست بشر که در دل زمین توسط افراد مدفون شده را از شمول رکاز خارج می‌کند. در منابع بعدی نیز همین تعریف از رکاز صورت گرفته، بدون اینکه به پیامبر (ص) آن را نسبت دهند. ابو یوسف انصاری (م ۱۸۸ق) از شاگردان و مروج دیدگاه ابوحنیفه، مفهوم رکاز را محدود به طلا و نقره‌ای می‌داند که در زمین از اول خلقت توسط خداوند آفریده شده است (ابو یوسف، الخراج، ۳۳).

ابویوسف انصاری گزارش دیگری نقل می‌کند که پیامبر (ص) برخی از احکامی که در دوران جاهلیت بوده را تغییر داده‌اند. در زمان جاهلیت اگر کسی در چاه یا معدن می‌افتاد و کشته می‌شد یا توسط ضربه حیوانی کشته می‌شد، صاحبان آن‌ها می‌بایست دیه بپردازند؛ اما بعدها زمانی که راجع به این مسائل از پیامبر (ص) سؤال شد، ایشان گفتند که هیچ‌یک از این مسائل دیه ندارد و رکاز نیز خمس دارد. از وی راجع به مفهوم رکاز سؤال شد، ایشان فرمودند: «...[الرکاز] الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ الَّتِي خَلَقَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ خُلِقَتْ؛ رکاز، طلا و نقره ای است که خداوند در هنگام خلقت زمین در آن آفریده است (ابو یوسف، الخراج، ۳۳). این تعریف دلالت می‌کند که منظور، معدن است و تفاوتی میان طلا یا نقره بودن آن وجود ندارد (کاسانی حنفی، ۶۷/۲). این حدیث نیز تنها از عبدالله بن سعید بن ابی سعید مقبری نقل شده که وی فردی بسیار ضعیف است و احمد بن حنبل، یحیی بن معین و گروهی از ائمه حدیث او را تضعیف کرده‌اند (نسائی، السنن الکبری، ۲۵۷/۴).

از آنجا که پیامبر (ص) احکامی که مربوط به جاهلیت بوده را تغییر داده، می‌توان گفت که رکاز قبل از اسلام نصیبی برای حاکم نداشته و اگر فردی به رکاز می‌رسید، همه آن متعلق به خودش بود؛ اما در اسلام، خمس رکاز می‌بایست پرداخت شود.

محمد بن حسن شیبانی (م ۱۸۹ق) نیز روایتی از قول پیامبر (ص) نقل می‌کند که در آن گفته، رکاز مالی است که خداوند در هنگام خلقت آسمان و زمین در این معادن آفریده است. شیبانی در ادامه می‌گوید که مال مدفون شبیه مالی است که از معدن استخراج می‌شود. وی همچنین به روایاتی که رکاز در تقابل چیزهایی که در قریه‌های غیرمسکونی یافت می‌شود نیز اشاره کرده و گفته که رکاز غیر از مال مدفون است. وی همچنین معتقد است که از لحاظ لغوی نیز اطلاق رکاز بر معدن صحیح و مطابق کلام است و اهل مدینه نمی‌توانند با آن مخالفت کنند (شیبانی، الحجج علی اهل المدینه، ۴۳۳/۱-۴۲۹).

ابو یعلیٰ موصلی (م ۳۰۷ق) نیز روایتی از قول ابوهریره از پیامبر (ص) نقل می‌کند که منظور از رکاز، طلایی است که در زمین می‌روید (ابو یعلیٰ موصلی، ۱۱۶/۴).

در زمان عمر بن عبدالعزیز (م ۱۰۱ق) نیز آنچه به عنوان رکاز از معادن به دست می‌آمد، دارای خمس بود. در نقلی چنین آمده است: عَنْ عُمَرَ قَالَ: «كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنَّا فِيمَا نُعَالِجُ، وَنَعْتَمِلُ بِأَيْدِينَا مِنْ كُلِّ مَائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ، فَإِذَا وَجَدْنَا فِي الْمَعَادِنِ الرَّكَازَةَ أَخَذْنَا مِنَ الْخُمْسِ» (عبد الرزاق، ۱۱۶/۴)؛ از عمر روایت شده است که از دسترنج ما که با کار و تلاش به دست می‌آوریم از هر دویست درهم، پنج درهم آن را می‌گرفتند، اما اگر در معادن رکاز می‌یافتیم، خمس (یک‌پنجم) آن را می‌گرفتند.

آنچه میان این نظرات مشترک است، این است که رکاز خواه طلا باشد یا نقره یا چیز دیگر، می‌بایست در زمین آفریده شده باشد و انسان نقشی در ساخت آن نداشته باشد. همین روایات ممکن است مبنای تعریف لغوی رکاز از سوی برخی از منابع لغوی و فقهی باشد، گرچه هیچ‌گونه اشاره‌ای به روایات مذکور نکرده‌اند (زمخشری، ۵۷/۲؛ فیروزآبادی، ۲۸۳/۲؛ مرتضی زبیدی، ۲۲/۸؛ ابوحیب، ۱۵۲).

۴-۲-۳. یکسان‌انگاری رکاز با گنج قدیمی

در برخی گزارش‌ها رکاز با گنج‌های قدیمی یکسان در نظر گرفته شده است. از نظر لغوی، کنز به هر چیزی گفته می‌شود که با دست و یا پا در کیسه یا زیر زمین قرار داده شود (ابن درید، ۸۲۵/۲). کنز، اسمی برای اموالی است که انسان آن را مخفی می‌کند (فراهیدی، ۳۲۲/۵). در اصطلاح فقهی نیز به مال مخفی زیر زمین، کنز اطلاق می‌شود (ابوحیب، ۳۲۵). در برخی منابع قید دارالحرب و دارالاسلام را به تعریف آن اضافه کرده‌اند (علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳۶۱/۱).

حسن بصری (م ۱۱۰) رکاز را گنج قدیمی می‌داند که خمس دارد. وی می‌گوید: «الرَّكَازُ الْكَنْزُ الْعَادِيُّ، وَفِيهِ الْخُمْسُ» (ابن ابی شیبه، ۴۳۶/۲)، یحیی بن آدم (م ۲۰۳ق) از حسن بن صالح ثوری (م ۱۶۹ق) راجع به رکاز سؤال کرد، او چنین جواب داد: رکاز یعنی گنج‌های قدیمی، آنچه عجم‌ها ضرب کرده باشند. یحیی بن آدم در ادامه ذکر می‌کند که دیگران غیر از حسن بن صالح نظر متفاوتی دارند. در واقع تلویحاً به شاذ بودن قول حسن بن صالح اشاره کرده است. نظر دیگران این است که رکاز، همان طلا و نقره‌ای است که در زمین خلق شده و آن خمس دارد (یحیی بن آدم، ۳۱). در این

گزارش حسن بصری و حسن بن صالح سخنان خود را مستند به روایات نبوی یا دیگر صحابه نکرده است. از همین رو می‌توان گفت که اجتهاد شخصی خود آن دو است.

۴-۲-۴. یکسان انگاری رکاز با دفینه‌ها

ابی اسحاق فزاری (م ۱۸۸ق)، در کتاب «السیر»، بابتی تحت عنوان «بَابُ نَبَشِ قُبُورِهِمْ وَ الرَّكَّازِ/ باب نبش قبر آنان [اهل جاهلیت] و رکاز» دارد (فزاری، ۱۰۱). وی گفت از اوزاعی (م ۱۵۷ق) راجع به آنچه در قبرها پیدا می‌شود پرسیدم، هرگاه آنچه از قبرها خارج شده از طلا یا نقره‌ای باشد که مسلمانان غالباً دارند چه حکمی دارد؟ اوزاعی گفت: این برای کسی است که آن را یافته و آن رکاز است که خمس دارد. ابواسحاق گفت: آن چیزهایی که در سرزمین دشمن و همراه با سپاهیان باشد چه طور؟ گفت: آن‌ها غنیمت هستند و به منزله اموال دشمن است و خمس دارد و کسی که آن را یافته و سایر لشکریان در آن سهیم هستند... (فزاری، ۱۰۵).

ابی اسحاق در ادامه می‌گوید: هر چیزی که از زیر زمین به دست بیاید از مواردی که برای این امت [مسلمانان] نباشد، رکاز است و خمس دارد. همچنین رکاز از نظر جنس منحصر به طلا و نقره نمی‌شود، مواردی مثل وسایل آهنی، مسی، سربی، گلی، شیشه‌ای و مانند آنکه پیدا می‌شود نیز شامل می‌شود. آنچه روی زمین و روی تپه‌ها یافت می‌شود، در زمره رکاز نیست. این اموال که در ظاهر متعلق به مردمی بوده که از آن‌ها جامانده است، مثل بت‌های طلایی یا ستون‌هایی که در آن‌ها سرب است، متعلق به بیت‌المال مسلمانان است و هیچ‌کسی حقی در گرفتن آن ندارد و تنها حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در آن دخل و تصرف کند. زمانی که حاکم اسلامی به فردی اجازه تملک و دخل و تصرف در این‌گونه اموال داد، برای او جایز است و خمس ندارد (فزاری، ۱۰۵).

۵. مفهوم رکاز در روایات شیعی

روایاتی که در منابع حدیثی شیعه، نقل شده و بیانگر مفهوم رکاز است، به دو دسته قابل تقسیم است. دسته اول مشترک با روایات اهل سنت و دسته دوم روایاتی است که تنها در منابع شیعه نقل شده‌اند. در ادامه به بررسی این دو دسته روایات خواهیم پرداخت.

۵-۱. مشترکات روایات شیعه و اهل سنت در باب مفهوم رکاز

برخی از روایات باب رکاز اهل سنت، دقیقاً با همان الفاظ در منابع شیعی بیان شده و

برخی تنها مفهوم آن توسط محدثان شیعی در کتاب‌هایشان نقل شده است. در ادامه به بررسی این روایات خواهیم پرداخت.

۵-۱-۱. تقابل رکاز با آنچه در خرابه‌هاست

در منابع حدیثی شیعی نیز حدیثی مشابه روایات اهل سنت در باب تقابل رکاز با آنچه در خرابه‌هاست نقل شده است. ابن ابی جمهور (م ۹۰۱ق) می‌نویسد: «وَقَالَ صَ كُلُّ مَا لَمْ يَكُنْ فِي طَرِيقِ مَاتِيٍّ أَوْ قَرِيَّةٍ عَامِرَةٍ فَفِيهِ وَفِي الرَّكَازِ الْخُمْسُ» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۲۵/۳). به احتمال قوی این حدیث، از منابع اهل سنت نقل شده است، چرا که هیچ طریق دیگری برای آن در منابع روایی شیعی نقل نشده است. از لحاظ مضمون نیز تفاوتی با روایات اهل سنت ندارد. علامه حلی (م ۷۲۶ق)، همین حدیث را از منابع اهل سنت نقل کرده است (علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۴۱۰/۵). در جای دیگر نیز حلی این حدیث را به عنوان دیدگاه اهل سنت از قول پیامبر (ص) نقل کرده است (علامه حلی، منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب، ۵۱۶/۸). در منابع فقهی دیگر به این حدیث در بحث رکاز، استناد نشده است.

۵-۱-۲. یکسان‌نگاری رکاز با معدن

در روایات شیعه، رکاز، جزئی از معدن در نظر گرفته شده و نه اینکه معدن، رکاز باشد. دو حدیث از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) راجع به رکاز نقل شده است. ابن‌حیون (م ۳۶۳ق) چنین نقل می‌کند: امام صادق (ع) فرمود: «قَالَ: فِي الرَّكَازِ مِنَ الْمَعْدِنِ وَالْكَنْزِ الْقَدِيمِ يُؤْخَذُ الْخُمْسُ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا وَبَاقِي ذَلِكَ لِمَنْ وَجَدَ فِي أَرْضِهِ أَوْ فِي دَارِهِ وَ إِذَا كَانَ الْكَنْزُ مِنْ مَالٍ مُحَدَّثٍ وَ ادَّعَاهُ أَهْلُ الدَّارِ فَهُوَ لَهُمْ» (ابن‌حیون، ۲۵۰/۱).

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) حدیث دیگری از امام باقر (ع) نقل می‌کند که: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَعَادِنِ مَا فِيهَا فَقَالَ كُلُّ مَا كَانَ رِكَازًا فَفِيهِ الْخُمْسُ وَقَالَ مَا عَالَجْتَهُ بِمَالِكَ فَفِيهِ مِمَّا أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهُ مِنْ حِجَارَتِهِ مُصَفًّى الْخُمْسُ» (طوسی، ۱۲۲/۴). از ایشان راجع به آنچه در معادن است، سؤال شد، گفتند: هر آنچه رکاز باشد، خمس دارد و گفتند: آنچه از آن‌ها را با مال خود به دست آورئ- یعنی سنگ‌های پرداخت‌شده‌ای که خداوند از آن نصیب کرده است- خمس آن‌ها باید داده شود.

در حدیث اول، رکاز قسمتی از معدن و در تقابل با گنج قدیمی در نظر گرفته شده

است. همچنین در این دو حدیث، رکاز چیزی است که در معدن یافت می‌شود. از نظر مفهومی دقیقاً مشخص نیست که رکاز شامل چه چیزهایی می‌شده است.

۵. ۱. ۳. یکسان‌نگاری رکاز با هر چیز با ارزش پیدا شده

در منابع شیعه یک روایت از امام علی (ع) نقل شده است که رکاز چیزی است که فردی آن را پیدا کرده و بعد آن را در مقابل سه هزار درهم و صد گوسفند فروخته است. این روایت هم در منابع شیعی (کلینی، ۳۱۵/۵) و هم منابع اهل سنت (شیبانی، الأصل، ۳۹-۴۰/۳) نقل شده است. در هر دو منابع شیعی و سنی امام علی (ع) دستور پرداخت خمس رکاز را داده‌اند.

این حدیث در برخی منابع دیگر به گونه دیگری نیز نقل شده است. در منابع اهل سنت نقل شده که فردی در خرابه‌ای هزار و پانصد درهم یافت، سپس آن را نزد امام علی (ع) آورد، ایشان گفتند: خمس آن را بپرداز (ابن ابی شیبه، ۴۳۶/۲). همچنین از هزیل (م ۸۲ق) نقل شده که فردی نزد ابن مسعود (م ۳۲ق) آمد و گفت: «إِنِّي وَجَدْتُ مِثِينَ مِنْ دَرَاهِمٍ، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ: لَا أَرَى الْمُسْلِمِينَ بَلَغَتْ أَمْوَالُهُمْ هَذَا، أَرَاهُ رِكَازَ مَالٍ عَادِيٍّ، فَأَدِّ خُمْسَهُ فِي بَيْتِ الْمَالِ، وَلَكَ مَا بَقِيَ» (ابن ابی شیبه، ۴۳۶/۲)؛ من دویست درهم پیدا کرده‌ام، عبدالله پرسید فکر نمی‌کنم اموال مسلمین به این اندازه رسیده باشد من آن را رکاز مالی قدیمی می‌دانم خمس آن را به بیت‌المال بپرداز و باقیمانده را برای خود نگاه‌دار.

۵-۲. دیدگاه‌های خاص شیعه در مفهوم رکاز

در میان روایات شیعه، به برخی روایات برمی‌خوریم که مفهومی برای رکاز ذکر کرده‌اند که در روایات اهل سنت مشابه ندارد. در ادامه به بررسی این روایات خواهیم پرداخت.

۵-۲-۱. یکسان‌نگاری رکاز با هر نوع مال بلااستفاده

در روایات شیعی، شیخ طوسی روایتی از امام باقر (ع) (م ۱۱۴ق)، نقل می‌کند که ایشان مطلبی راجع به رکاز در عهد نبوی (ص) و اختلافی که میان عثمان و ابوذر در مسئله زکات رخ داده بود، مطرح می‌کند. عثمان و ابوذر در زمان پیامبر (ص) در این باره که هر مالی از طلا یا نقره که با آن کار شود و نیز در تجارت مورد استفاده قرار بگیرد، اگر یک سال بر آن بگذرد، زکات دارد، اختلاف نظر داشتند. نظر ابوذر این بود که اگر مالی در

تجارت استفاده شود و یا با آن کار شود، زکات ندارد، ولی اگر آن مال، رکاز یا گنجی باشد که یک سال بر آن گذشته باشد، دارای زکات است. زمانی که این اختلاف نزد پیامبر (ص) مطرح می‌شود، ایشان نظر ابوذر را تأیید می‌کنند (طوسی، ۷۱/۴-۷۰).

تصحیح چنین معنایی برای «رکاز» مستلزم پذیرش این روایت است که به نوبه خود مبتنی بر درستی این اختلاف میان ابوذر و عثمان است. آنچه به مفهوم رکاز مربوط است، این است که رکاز، مال بلااستفاده‌ای است که یک سال بر آن گذشته باشد. مال در اصل، آنچه از طلا و نقره که در تملک فرد است، سپس به هر چیزی که متعلق به فرد و در تملک او باشد، مال اطلاق شده است. بیشتر اوقات مال نزد عرب به شتر اطلاق می‌شود، چرا که آن بیشترین چیزی است که دارند (ابن اثیر، ۳۷۳/۴).

۵-۲-۲. یکسان‌انگاری رکاز با مسکوکات رایج (طلا یا نقره)

در منابع شیعی یک حدیث از امام کاظم (ع) نقل شده که در آن صریحاً رکاز معنا شده است. در این حدیث علی بن یقطین به امام کاظم (ع) گفت: گهگاه، مقداری نقدینه نزد من جمع می‌شود و در حدود یک سال، دست نخورده بر جا می‌ماند، آیا زکات دارد؟ امام کاظم (ع) گفت: نه. آن نقدینه‌ای که کمتر از یک سال نزد تو بر جامانده باشد زکات ندارد. طلا و نقره اگر «رکاز» نباشد، زکات ندارد. من گفتم: «رکاز» چیست؟ امام کاظم (ع) فرمود: مسکوکات رایج. ابو ابراهیم گفت: اگر خواستی از پرداخت زکات معاف بمانی، مسکوکات طلا و نقره‌ات را آب کن، زیرا شمش طلا و نقره زکات ندارد (کلینی، ۵۱۸/۳).

برخی معتقدند اینکه به مسکوکات رایج، رکاز گفته شده از باب مجاز است، زیرا حتی یک قول از لغویان وجود ندارد که به آنچه روی سطح زمین است، رکاز اطلاق شده باشد (مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة، ۱۴۹).

۶. تحلیل دیدگاه‌ها راجع به رکاز

با فاصله گرفتن از عصر نزول قرآن و همچنین گسترش سرزمین‌های اسلامی بحث از مفهوم و مصداق رکاز متفاوت می‌شود. این اختلاف در دیدگاه دو گروه اهل عراق و اهل حجاز در منابع حدیثی و لغوی نمایان شده است. اهل عراق به دلیل فاصله داشتن از سرزمین حجاز مسائلی که مربوط به دَفینه‌های جاهلی بود در آنجا مطرح نبود. از همین رو تعریف متفاوتی از رکاز ارائه داده بودند و رکاز را به معنای معدن دانسته بودند.

سرمنشأ معدن دانستن رکاز، ابوحنیفه (م ۱۵۰ق) است. وی متولد کوفه است و بیشتر عمر خودش را در آنجا سپری کرده و سپس در بغداد از دنیا رفته است (سبط ابن جوزی، ۲۱۲/۱۲).

ابوحنیفه حدیثی از قول پیامبر (ص) نقل می‌کند که رکاز آن چیزی است که در معدن رشد کرده باشد. این حدیث نه تنها در هیچ‌یک از منابع بعدی، نقل نشده است، بلکه مورد استناد لغویان نیز در بحث مفهوم رکاز نبوده است.

عامل دیگری که موجب تفاوت دیدگاه در بحث معنا و مصداق رکاز شده، وجود ارتباط یا عدم ارتباط بین معنای لغوی رکاز و مفهوم فقهی آن است. کسانی که معنای لغوی رکاز را ثبات در نظر گرفته‌اند، مصداق رکاز را چیزی ثابت و خلق شده در دل زمین دانسته‌اند. در مقابل کسانی که رکاز را به معنای صدای پنهانی دانسته‌اند، مصداق رکاز را هر چیزی دانسته‌اند که توسط انسان در دل زمین پنهان شده باشد.

از جمله مؤلفه‌های معنای مشترک در مصادیق ذکر شده برای رکاز عبارت‌اند از: عدم دخالت فرد در ساخت و تهیه رکاز. رکاز از هر چیزی که باشد انسان هیچ دخالتی در ساخت و تهیه آن نداشته است، بلکه انسان یا آن را می‌یابد یا آن را استخراج می‌کند. دومین مؤلفه معنایی در مصادیق رکاز، نداشتن صاحب است. رکاز هر مالی است که صاحبی ندارد، خواه این مال از طریق معادن که خداوند آن‌ها را خلق کرده به دست آید یا خواه از اموال مدفون در زمان جاهلیت باشد و یا خواه مالی بی‌صاحب باشد که در یک خرابه یا جاده‌ای پیدا می‌شود.

سومین مؤلفه معنایی در مصادیق رکاز، وجود آن در سرزمین‌های اسلامی است. اگر چنین مالی باوجود دو مؤلفه معنایی پیش‌گفته در سرزمین‌های غیر اسلامی یافت شود، از باب غنیمت می‌باشد و به آن رکاز اطلاق نمی‌شود؛ بنابراین تفاوت رکاز با غنیمت در این مؤلفه معنایی است. همچنین رکاز چیزی است که در زمان‌های غیر جنگ به دست می‌آید.

در این مسائل میان شیعه و اهل سنت اختلافی نیست. دو دیدگاه در شیعه مطرح شده که در اهل سنت نیست. یکی اینکه رکاز به معنای مال بلااستفاده دانسته شده و دیگری یکسان‌انگاری رکاز با مسکوکات رایج است. در اینجا رکاز مفهوم جدیدی به خود گرفته و باب خمس خارج گردیده است. در واقع هم مال بلااستفاده و هم مسکوکات رایج در این دو حدیث ذکر شده در منابع شیعی، دارای زکات دانسته شده است. در اینجا یک توسعه مصداقی در بحث رکاز داده شده است و از مفهوم طلای پیدا

شده در معدن به مسکوکات طلای رایج تسری یافته است. از همین‌رو از باب خمس نیز خارج شده و در بحث زکات مطرح شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده، نتایج زیر به دست آمد:

مفهوم و مصداق رکاز بعد از اسلام نسبت به دوران جاهلیت دچار تطور شده است. عمده تفاوت جایگاه رکاز در اسلام نسبت به جاهلیت، وضع خمس برای آن است. از نظر مفهومی نیز رکاز در جاهلیت به وسایلی که همراه مردگان دفن می‌شد، اطلاق شده ولی در اسلام مفهوم رکاز توسعه پیدا کرده است به طوری که تنها عدّه اندکی از فقها به یکسان‌انگاری رکاز با دفینه‌های جاهلی اشاره کرده‌اند.

در دوران اسلامی مفهوم رکاز دچار توسعه شده است. این امر بیشتر در روایات شیعه نمایان است تا روایات اهل سنت. عمده اختلاف روایات اهل سنت در مفهوم رکاز، به نوع برداشت لغوی این واژه برمی‌گردد. گروهی رکاز را به معنای ثبات دانسته‌اند؛ از همین‌رو رکاز را با مفهوم معدن یکسان دانسته‌اند، از طرف دیگر برخی رکاز را به معنای مخفی و پوشیده در نظر گرفته‌اند، از همین‌رو رکاز را با گنج و دفینه‌ها یکسان گرفته‌اند. دامنه مفهوم رکاز در روایات شیعه به هر مال بلااستفاده و نیز مسکوکات رایج نیز کشیده است. این احتمال می‌رود که هر معصوم (ع) با توجه به اقتضائات زمان خودش، مصداقی برای رکاز ذکر کرده است.

منابع

١. ابن ابى جمهور، محمد بن زين الدين، *عوالى اللئالى العزيزية فى الأحاديث الدينية* (ج ١-٤)، قم، دار سيد الشهداء للنشر، ١٤٠٥.
٢. ابن ابى شيبه، أبو بكر عبدالله بن محمد، *مُصنّف ابن أبي شيبة*، محقق: كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٠٩.
٣. ابن اثير، مبارک بن محمد، *النهاية فى غريب الحديث و الأثر* (ج ١-٥)، قم، مؤسسة مطبوعاتي اسماعيليان، ١٣٦٧.
٤. ابن بابويه، محمد بن على، *معانى الأخبار* (ج ١-١)، قم، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامى، ١٣٦١.
٥. ابن حنبل، احمد، *مسند الامام احمد بن حنبل*، محقق: شعيب الارنؤوط، بي ج، مؤسسه الرسالة، ١٤٢٠.
٦. ابن حيون، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام عن اهل بيت رسول الله عليه و عليهم افضل السلام* (ج ١-٢)، قم، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، بي تا.
٧. ابن دريد، محمد بن حسن، *جمهرة اللغة* (ج ١-٣)، بيروت، دار العلم للملايين، بي تا.
٨. ابن راهويه، اسحاق، *مسند إسحاق بن راهويه*، محقق: عبد الغفور بن عبد الحق البلوشى، مدينه، مكتبة الإيمان، ١٤١٢.
٩. ابن سيده، على بن اسماعيل، *المحكم و المحيط الأعظم* (ج ١-١١)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢١.
١٠. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، چاپ سوم، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دار صادر، ١٤١٤.
١١. ابو حبيب، سعدى، *القاموس الفقهى، لغه و اصطلاحا*، دمشق، دار الفكر، ١٤٠٢.
١٢. ابو حنيفه، نعمان بن ثابت، *مسند أبى حنيفه رواية الحصكفى*، محقق: عبد الرحمن حسن محمود، مصر، الآداب، بي تا.
١٣. ابو عبيد، قاسم بن سلام، *كتاب الأموال*، محقق: خليل محمد هراس، بيروت، دار الفكر، بي تا.
١٤. ----- *غريب الحديث*، محقق: حسين محمد محمد شرف، قاهره، الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، ١٤٠٤.
١٥. ابو يعلى موصلى، أحمد بن على بن المثنى، *مسند أبى يعلى*، محقق: حسين سليم أسد، دمشق، دار المأمون للتراث، ١٤٠٤.
١٦. ابو يوسف، يعقوب بن إبراهيم، *الخراج*، محققين: طه عبد الرؤوف سعد و سعد حسن محمد، بي ج، المكتبة الأزهرية للتراث، بي تا.
١٧. ----- *الآثار*، محقق: أبو الوفا، بيروت، دار الكتب العلمية، بي تا.
١٨. ابى داود، سليمان بن اشعث، *سنن ابى داود*، بيروت، المكتبة العصرية، بي تا.
١٩. ازهرى، محمد بن احمد، *تهذيب اللغة* (ج ١-١٥)، بيروت، دار إحياء التراث العربى، بي تا.
٢٠. ثعالبى، عبد الملك بن محمد، *فقه اللغة* (ج ١-١)، بي ج، إحياء التراث العربى، ١٤٢٢.
٢١. جوهرى، اسماعيل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية* (ج ١-٦)، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧.

۲۲. حمیدی، ابو بکر عبد الله بن زبیر، مسند الحمیدی، محقق: حسن سلیم أسد الدارانی، دمشق، دار السقا، ۱۹۹۶.
۲۳. دری، فاطمه، بررسی فقهی و حقوقی دفتینه (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، قزوین، ۱۳۹۳.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ویراستار: صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲.
۲۵. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث (ج ۱-۴)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
۲۶. سبط ابن جوزی، شمس الدین أبو المظفر، مرآة الزمان فی تواریخ الأعیان، دمشق، دار الرسالة العالمیه، ۱۴۳۴.
۲۷. شافعی، ابو عبد الله محمد بن ادريس، الأم، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۰.
۲۸. -----، مسند الإمام الشافعی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۳۷۰.
۲۹. شیبانی، أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرقد، الحجة علی أهل المدينة، محقق: مهدي حسن الكيلاني القادری، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳.
۳۰. -----، الأصل. محقق: الدكتور محمد بونوكالين، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۳۳.
۳۱. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة (ج ۱-۱۱)، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۴.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام (ج ۱-۱۰)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۳۳. عبد الرزاق، ابو بکر. المصنف، محقق: حبيب الرحمن الأعظمی، بیروت، المكتب الإسلامی، ۱۴۰۳.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲.
۳۵. -----، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۳۶. -----، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴.
۳۷. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، قم، شریف الرضی، ۱۳۸۰.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین (ج ۱-۹)، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹.
۳۹. فزاری، أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن الحارث، السير، محقق: فاروق حمادة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۷.
۴۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط (ج ۱-۴)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۸.
۴۱. کاسانی حنفی، علاء الدین أبو بکر بن مسعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ج ۱-۸)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷.
۴۳. مالک بن انس، الموطأ، بیروت، دار الغرب الإسلامی، بی تا.
۴۴. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۱-۲۰)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (ج ۱-۲۸)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۶. -----، أنوار الفقاهة- کتاب الخمس و الأنفال، قم، انتشارات مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۱۶.

۴۷. مؤمنی، عابدین. «بازخوانی انتقادی نظریه انحصار خمس در غنائم جنگی و رکاز»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره اول، ۱۳۹۹.
۴۸. نسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علی، المجتبی من السنن، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیة، ۱۴۰۶.
۴۹. -----، السنن الکبری، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱.
۵۰. هروی قاری، محمد أبو الحسن نور الدین، شرح مسند أبی حنیفة، محقق: الشیخ خلیل محیی الدین المیس، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۵.
۵۱. همام بن منبه، ابو عقبه، صحیفة همام بن منبه، محقق: علی حسن علی عبد الحمی، بیروت، عمان، المکتب الإسلامی، دار عمار، ۱۴۰۷.
۵۲. یحیی بن آدم، أبو زکریاء، الخراج، بی جا، المطبعة السلفية ومکتبتها، ۱۳۸۴.

